

■ دکتر حسین احمدی

بسیاری از پژوهشگران همواره بااین سؤال بی‌پاسخ مواجه هستند که جمهوری آذربایجان، که به لحاظ فرهنگی و مذهبی، نزدیک‌ترین کشور بعد از فروپاشی شوروی به ایران است، چرا در تقابل با ایران، گوی سبقت را نه تنها از همسایگان ایران، بلکه از کشورهای غیرمسلمان اروپایی ربوده و یه بزرگ‌ترین پایگاه ضدامنیتی در برابر ایران، تبدیل شده‌است؟ تقریباً تمامی عوامل و سازوکارهای ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، از طریق جمهوری آذربایجان یا اقلیم کردستان به اسرائیل و بالعکس فراهم شده‌است. در مقال بی‌آمه، سعی بر آن بوده که به‌این پرسش‌ها پاسخ داده شود.

■■■■

در تبیین دلایل رویکردهای جمهوری آذربایجان در قبال جمهوری اسلامی، باید این کشور را فاقد مبانی قدرت برای تصمیم‌گیری درباره سیاست‌های داخلی و خارجی دانست، مبانی قدرت را به دو رشته عوامل اصلی و فرعی می‌توان تقسیم کرد، که از جمله عوامل اصلی عبارتند از:

■ عمق استراتژیک

تمام کشورهای که از نظر سرزمینی در تنگنا هستند، آسیب‌پذیری و شکنندگی بسیار بالایی دارند زیرا به راحتی امکان تصرف و نابودی آنها با سادسترین سلاح‌های ممکن وجود دارد. وسعت جمهوری آذربایجان ۸۶ هزار و ۶۰۰ کیلومترمربع است، که ۲۰ درصد آن در جنگ‌های با ارمنستان در سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۱، به تصرف ارمنیان در آمد و در صورت تداوم این جنگ، قسمت شمال جمهوری آذربایجان – که محل حضور افراد ناراضی لژگی و آوار بود- نیز سقوط می‌کردا جمهوری آذربایجان از حیث وسعت، ۲۱ برابر کوچک‌تر از ایران است و این وسعت کم، آسیب‌پذیری باکو را با توجه به نداشتن پتانسیل‌های دیگر، به شدت افزایش می‌دهد.

■ جمعیت

آمار دولتی باکو، جمعیت جمهوری آذربایجان را در سال ۲۰۱۱م، ۹ میلیون نفر اعلام کرد. در هنگام فروپاشی شوروی، جمعیت جمهوری آذربایجان، ۷ میلیون و ۲۱ هزار و ۱۷۸ نفر بود. با شروع جنگ قراباغ در سال ۱۹۹۱ و شکل‌گیری فضای ضروسی و ضدارمنی در این کشور ۴۰۰ هزار روس، به همین تعداد ارمنی و ۱۵۰ هزار اوکراینی و جمعیتی از اقوام دیگر، از این کشور ترک تبعیت کردند. خروج جمعیت یک میلیون غیرمسلمان از جمهوری آذربایجان، باعث افزایش جمعیت مسلمان به بیش از ۹۹ درصد و جمعیت شیعه به بیش از ۸۵ درصد شد. ضمن اینکه جمعیت این کشور را به ۶ میلیون نفر کاهش داد. جنگ قراباغ، ضمن جابه‌جایی قدرت در باکو، موجب افزایش بیگاری، تنگی معیشت، افزایش سن ازدواج- به دلیل دسترسی آسان به جنس مخالف- کاهش زادوولد، افزایش مرگ و میر و نهایتاً مثل همه کشورهای جدا شده از شوروی، بارشد منفی جمعیت همراه شد. علاوه بر این، جمهوری آذربایجان با مهاجرت گسترده جمعیت به خارج، به‌ویژه روسیه مواجه بوده‌است مطابق آمار روس‌ها در نوامبر ۲۰۱۱م، جمعیت آذری‌های مقیم روسیه، بیش از ۲ میلیون نفر بوده‌است. قبل از فروپاشی شوروی، ۲۳۵ هزار و ۸۸۹ نفر آذری، مقیم روسیه بودند. در آن هنگام و پس از جنگ قراباغ، تعدادی از ۳۰۰ هزار آذری اخراجی از ارمنستان، به روسیه مهاجرت کردند. با این اوصاف بقیه ۱/۵ میلیون جمعیت آذری مقیم روسیه- که در نتیجه وضعیت نامطلوب اقتصادی هر روزه در حال افزایش است- باید از جمهوری آذربایجان به روسیه، فته باشند. با این تفاسیل، پس از فروپاشی شوروی، جمعیت جمهوری آذربایجان باید به ۴/۵ میلیون برسد. با در نظر گرفتن مشکلات فوق، با چه شاخص‌های علمی در رشد جمعیتی، مردم این کشور در یک دوره ۲۰ ساله، با افزایش ۱۰۰ درصد به ۹ میلیون نفر می‌رسد؟

با نگاهی به ۱۵ کشور شکل گرفته بعد از فروپاشی شوروی، هیچ کشوری به لحاظ مشکلات فراوان اقتصادی، با رشد جمعیت همراه نبوده‌است. برای مثال دو کشور دیگر قفقاز جنوبی یعنی گرجستان و ارمنستان – که هنگام فروپاشی به ترتیب جمعیتی بالغ بر ۵/۵ و ۳/۵ میلیون داشتند- هم‌اکنون جمعیتی معادل ۴/۳ و ۲/۷ میلیون نفر دارند. چرا فقط جمهوری آذربایجان جمعیتش با افزایش ۱۱/۷ درصدی در ۱۰۰ درصد مواجه بوده‌است؟ اما؟ اگرهای فراوان در آمارهای دولتی جمهوری آذربایجان، به شدت به این شایبه دامن می‌زند که در صورت درست بودن آمار، چراه با سازمان غیردولتی و بی‌طرف و حتی جمعیت‌های اروپایی، در این زمینه اظهار نظر نکرده‌اند نمی‌شود. جمهوری آذربایجان، فاقد پشته‌واره جمعیتی برای تشکیل یک حکومت قدرتمند است.

■ قدرت اقتصادی

جمهوری آذربایجان دارای نفت شیرین و سبک است، طراحی، استخراج و فروش نفت و گاز جمهوری آذربایجان، به وسیله کنسرسیومی به‌رهبری بریتیش پترولیوم انگلیسی انجام می‌شود. در این میان، شرکت بی‌بی ۳۷/۴۲ درصد، شرکت آمریکا شورون ۱۱/۷ درصد، انیکس زاین ۱۰/۹ درصد، شرکت سوکار باکو ۱۰ درصد، شرکت اکسون موبیل امریکا ۸ درصد، شرکت تی‌تی‌بی‌ای، و توکر به ۶/۷۵ درصد، شرکت نفتی اینوجو زاین ۴/۳۰ درصد، شرکت آمو راه‌آهن ۲/۷۲ درصد، سپه‌امداران اصلی نفت و گاز جمهوری آذربایجان هستند. نفت این کشور به وسیله سه خط لوله، باکو- نوروسیبسک، باکو- قزلبیل- جبهان، باکو- سوسپا و راه‌آهن باکو- باتومی به خارج صادر می‌شود. درآمد خارجی جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۱ از فروش نفت، ۳۶ میلیارد دلار بود. گرچه زرق و برق باکو نسبت به بسیاری از شهرهای منطقه، خیره‌کننده است ولی با مسافرت به شهرهای دیگر این جمهوری نوپا، همچون گنجه، لنکران، استارا، شماخی، داش‌کسن، مینگه‌چوئر وغیره، به راحتی می‌توان عدم توزیع عادلانه ثروت و نتیجتاً فقر عمومی را مشاهده کرد. با مراجعه به مرز استنارای جنوبی، مردم فقیر و تنگدست جمهوری آذربایجان از نزدیک مشاهده می‌شوند که با بی‌صبری هر چه تمام‌تر، برای خرید محصولات به ایران هجوم می‌آورند!

■ قدرت نظامی

تسلیمات مدرن، تأثیر انکارناپذیری در جنگ‌ها دارند ولی تنها عامل پیروز نشدن در جنگ‌ها، محسوب نمی‌شوند. کمیت، کیفیت و تفکر حاکم بر نیروهای نظامی، از عوامل اصلی تأثیر گذار در تقویت قدرت دفاعی و تهاجمی هر کشور است. جمهوری آذربایجان مثل همه کشورهای دارای جمعیت کم، امکان افزایش نیروی نظامی به صورت نامحدود



الهام علی‌اف و همسرش در منطقه جبرائیل، در نزدیکی مرز ایران

نظری بر زمینه‌های تاریخی و سیاسی تیرگی روابط ایران و جمهوری آذربایجان

فقدان عمق استراتژیک با کنار زدن هویت ملی و دینی!

و بالا را ندار، ضمن اینکه جایگاه هویت ملی و معنوی حاکم بر نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان، بسیار پایین است. جمهوری آذربایجان در نتیجه تأثیر پذیری از فرهنگ شوروی و تقابل با فرهنگ ایرانی و اسلامی، صرفاً با تکیه بر قوم‌گرایی- با توجه به کثرت اقوام در این کشور- نتوانسته هویت ملی جدا از اسلام و ایران برای خود به دست بیاورد. جمهوری آذربایجان پس از سال ۹۴ و با فروش نفت، همواره در حال انباشت سلاح‌های پیشرفته و مدرن است و در سال ۲۰۱۱م، ۳۵ درصد از بودجه این کشور به خرید تسلیحات اختصاص یافته است. در حالی که این کشور برای ورود به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۱، کنیا تضمین داده‌است که در حل مسئله قراباغ، به هیچ‌وجه از قدرت نظامی استفاده نخواهد کرد و حتی در دوره ریاست دوره‌ای یک ماهه بر شورای امنیت سازمان ملل متحد در ماه می ۲۰۱۲م متعهد شد که به هیچ‌وجه بحث قراباغ را در شورای امنیت مطرح نکند. سؤال اینجاست که چرا جمهوری آذربایجان همچنان به خرید تسلیحات ادامه می‌دهد؟ تسلیحاتی که به مرور زمان کهنه شده و باید برای بهینه‌سازی، به جایگزینی با تعویض آن اقدام شود، واقعیت این است که امریکا، اسرائیل و اروپای غربی در عوض خرید نفت و گاز جمهوری آذربایجان، به این کشور اسلحه و کلا می‌فروشند و حاکمیت جمهوری آذربایجان حداقل بدین وسیله، با نمایش خرید تسلیحات گسترده و نمایش آن در میان مردم و افکار عمومی، کشور را امیدوار به بازپس‌گیری قراباغ می‌کند. ارمنیان با وجود جمعیت کمتر و وجود اختلافات بسیار، در مسئله قراباغ و حدت‌نظر داشتند اما نیروهای نظامی آذربایجان، توفیقی در جنگ‌های قراباغ به دست نیاوردند و بر اساس تفکر سوسیالیستی حاکم بر شوروی سابق، گناهان شکست قراباغ را، به گردن نیروهای خارجی انداختند! بر اساس تحقیقات میدانی نگارنده در مناطق جنوبی گرجستان و قراباغ، مشخص شد که به هنگام جنگ قراباغ، میان دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان، یک داووستد گسترده مستقیم و غیر مستقیم بین نیروهای آذری و ارمنی درگیر به وجود می‌آمد. آذری‌های منطقه جنوب گرجستان، ضمن خرید وسایل نظامی، بنزین و گازوئیل و... به ارمنی‌های همسایه در بولینسی و مارنئولی می‌فروختند و از این طریق به ارمنستان منتقل می‌شد. جالب‌تر از قضیه فوق، در منطقه فضولی با توافق‌های مافیای ارمنی و آذری، در اوج درگیری‌ها در سال‌های

مافیای ارمنی و آذری، در اوج درگیری‌ها در سال‌های



در راستای شکل‌گیری آذربایجان بزرگ، بیشترین توجه حاکمیت جمهوری آذربایجان، به مناطق ترک‌زبان ایران است، که تاکنون دولت ایران، برنامه‌ای را برای مقابله با این طرح جمهوری آذربایجان، ارائه نداده‌است! نظر به اینکه جمهوری آذربایجان، ارمنیان را ترک‌انی می‌داند که در فرایند ارمنی‌شدن، اقرار گرفته‌اند، تقریباً بر تمامی کشور ارمنستان، ادعای ارضی دارد!

عاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷

د

با کشورهای فاقد منابع قدرت، نمی‌توان رابطه استراتژیک و راهبردی داشت. جمهوری آذربایجان به دلیل نداشتن این شرایط، فاقد ظرفیت بین‌المللی برای تصمیم‌گیری کلان در سیاست خارجی و حتی داخلی است. در نتیجه به ناچار، منافع ملی خود را با منافع قدرت‌های بین‌المللی گره زده‌است. با مطالعه تاریخ منطقه مشخص می‌شود که مقامات بادکوبه همیشه در خدمت قدرت‌های بزرگ وقت، یعنی روسیه و بعداً شوروی و پس از فروپاشی، غرب بوده‌اند!

دانشگاهی به اجرا گذاشته است.

سیاست یک‌بام و دو‌هوی حاکمیت جمهوری آذربایجان، مبنی بر اینکه هر جا آذری هست، آنجا آذربایجان است، باعث خروج حدود ۲۰۰ هزار آذری، از ارمنستان به هنگام جنگ قراباغ شد. البته جمهوری آذربایجان، این سخن ارمنیان را که می‌گویند: «چون در قراباغ اکثریت ارمنی است پس باید چو ارمنستان باشد»، از یک سیاست فاشیستی می‌خواند. در راستای شکل‌گیری آذربایجان بزرگ، بیشترین توجه حاکمیت جمهوری آذربایجان، تک‌قومی‌را در پیش گرفته تا مشکل کثرت اقوام داخلی خود را، با این سیاست تهاجمی جبران کند. در نتیجه، به راه‌های مقامات بلندپایه جمهوری آذربایجان بوده باشد.

■ قدرت معنوی

جمهوری آذربایجان برای جبران عمق استراتژیک و جمعیت کم، با کنار زدن هویت ملی و دینی و با در نظر گرفتن آسیب‌پذیری عمیق فرهنگی، سیاست ملت‌دولت و برنامه‌ای را برای مقابله با این طرح جمهوری آذربایجان ارائه نداده‌است. نظر به اینکه جمهوری آذربایجان، ارمنیان را ترک‌انی می‌داند که در فرایند ارمنی‌شدن، اقرار کرده‌اند، تقریباً بر تمامی کشور ارمنستان، ادعای ارضی دارد. به نظر می‌رسد در صورت تدوین استراتژی واحدی از سوی چهار کشور ایران، روسیه، گرجستان و ارمنستان، جمهوری آذربایجان به ناچار از بخشی از ادعاهای رسمی خود، صرف‌نظر کند.

با کشورهای فاقد منابع قدرت، نمی‌توان رابطه

استراتژیک و راهبردی داشت. جمهوری آذربایجان به دلیل نداشتن این شرایط، فاقد ظرفیت بین‌المللی، برای تصمیم‌گیری کلان در سیاست خارجی و حتی داخلی است. در نتیجه به ناچار، منافع ملی خود را با منافع قدرت‌های بین‌المللی گره زده‌است. با مطالعه تاریخ منطقه مشخص می‌شود، که مقامات بادکوبه همیشه در خدمت قدرت‌های بزرگ وقت، یعنی روسیه، بعداً شوروی و پس از فروپاشی، غرب بوده‌اند. مشکلات روابط ایران و جمهوری آذربایجان، ریشه در روابط تیره و تار ایران و غرب دارد. در صورت عدم بهبود، روابط دو کشور روزبه‌روز تیره‌تر خواهد شد. بعضی سیاستگذاران ایرانی، توانمندی‌هایی را برای گسترش روابط با جمهوری آذربایجان در باکو جست‌وجو می‌کنند، که امکان شکل‌گیری آن به دلیل نداشتن مبانی قدرت، وجود ندارد. به دلیل نفوذ امریکا، اسرائیل، روسیه و انگلیس بورژالو هستند که در دوره شاه‌عباس اول، از منطقه فارس در جنوب ایران به گرجستان کوچانده شده‌اند. دولت گرجستان، برنامه مفصلی در جهت شناساندن هویت تاریخی این عده از مسلمانان دارد تا از واگرایی آنها جلوگیری کند، ضمن اینکه تشویق‌های گسترده‌ای همراه با اجبار یادگیری زبان گرجی، برای ورود به مراکز



الهام علی‌اف در دیدار با محمد خاتمی، وزیر خارجه پیشین ایران

تجکات

به بهانه انتشار یادنامه‌ای نفیس برای زنده یاد حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان

«روحانی مجاهد»

در آینه روایت‌ها و تحلیل‌ها

■ محمدرضا کائینی



اثر نفیس و ميسو طی که هم‌اینک به شما معرفی می‌شوند، یادنامه‌ه زنده‌یاد حجت الاسلام والمسلمین مصطفی پورمحمدی ریاست جدید این مرکز، در دیباجه خویش بر این مجموعه، در باب محتوای آن چنین آورده است: «مجموعه‌ای که در پیش داریم، گویای قسمت‌هایی از زندگی و مجاهدت‌های انسانی فرهیخته و خدمت‌آلود به همت همکاران ما در مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهیه شده‌است، که بدین وسیله از همه عزیزانی که در مصاحبه‌ها حضور پیدا کردند، یا یادداشتی ارسال نمودند یا اسناد و عکس در اختیار گذاشتند، به خصوص از خاندان آن عزیز، صمیمانه تشکر می‌نمایم. این مجموعه به منظور تجلیل، تکریم و قدردانسی، از این انسان وظیفه‌شناس، متعهد و ثابت‌قدم، به سامان رسید. بی‌تردید افکار، رویکردها و فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌ها و اقدامات فراوان و اثرگذار مرحوم حسینیان، همچون همه افراد مؤثر و نقش‌آفرین در عرصه اجتماعی و سیاسی و حرفه‌ای، محل مناقشه و تأمل است و چه شایسته و نیکوست، اگر بتوانیم با انصاف، صداقت و واقع‌بینی، به ارزیابی بنشینیم و شخصیت‌ها و سرمایه‌های



۱۳۷۷. حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان در دیدار با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی

اعلامیه و سخنرانی و سفرهای تبلیغی و به دنبال آن موج دستگیری‌ها، کانون‌های انقلابی را سامان داد و انرژی متراکمی را فراهم کرد، تا در شهادت آیت‌الله حاج‌آقا مصطفی خمینی و ۱۹ ده‌های پس از آن، آزاد گردد. در همه این لحظات و صحنه‌ها، حسینیان از مردان میدان بود: مقاوم و صبور، آگاه و هوشیار و پر تلاش در علم و عمل و تبلیغ، بروز انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی و روزهای سخت و پرحادثه و اتفاقات بی‌در پی، از لحظات به‌یادماندنی است. مردان وزنان حماسه‌آفرین، قهرمانانه ایستادند و تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی به وجود آوردند. ابتدای انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی، از لحظات نادر و برجسته تاریخ ایران انسان‌هایی آگاه و مسئولیت‌شناس، پا به پای ملت و با همه سرمایه و توان و در اوج اخلاص و وفاداری، گردنه‌های سختی را پشت سر گذاشتند و دوران جدیدی از تمدن ایرانی-اسلامی را خلق کردند. روح‌الله حسینیان از یاران مصمم و همراهان جدی و تأثیرگذار این دوران بود. ایجاد امنیت، مقابله با اشترار و حضور در مناطق پرخطر، اعمال حاکمیت و تثبیت نظام انقلابی، از دغدغه‌های اصلی او بود. تلاش پیگیر و بی‌وقفه او در دفاع از آرمان‌های اسلامی و انقلابی و حقوق مردم و مبارزه قاطع با مفاسد و مفسدین، گواه این مدعاست. فعالیت در تشکلات‌های سیاسی و نقش‌آفرینی در محیط اجتماعی، بخش قابل توجهی از زندگی مرحوم حسینیان را تشکیل می‌دهد. بدون شک همت بلند، جسارت در موضع‌گیری، استقامت و قاطعیت و قوت روحی او در برخورد با حوادث و موضوعات سیاسی و اجتماعی، او را به عنصری تأثیرگذار در عرصه عمومی تبدیل کرده بود. مشارکت در تأسیس جمعیت دفاع از ارزش‌ها و جبهه‌یاداری و حضور در مجلس و مسئولیت‌هایی که به عهده داشت، به خوبی بر این نقش‌آفرینی دلالت می‌کند...»

این مقدمه در بخشی دیگر از خویش، به کارنامه

زنده‌یاد حسینیان، در دوران تصدی ریاست

مرکز اسناد انقلاب اسلامی پرداخته و این‌گونه ادامه یافته‌است: «فصل پربار دیگر زندگی او، نشاط فرهنگی و علمی و حضور در مرکز اسناد انقلاب اسلامی است. در سال ۱۳۷۲ و با دعوت برادر بزرگوار من حجت‌الاسلام والمسلمین جناب سید حمید روحانی، برای عضویت در هیئت امانداعوت شدیم. آقای حسینیان ضمن حضور در هیئت امانا، مدیریت مرکز اسناد را نیز به عهده گرفت. در ۲۵ سال مسئولیت مرحوم حسینیان، شاهد تحولات فراوان و دستاوردهای قابل توجهی بودیم. مرکز اسناد اینک از همکارانی عالم، آگاه، مجرب، دلسوز و پرتلاش برخوردار است. خوشبختانه امروز با انتشار نزدیک به یک هزار و ۵۰۰ عنوان کتاب و وجود چند صد پژوهش آماده انتشار و جمع‌آوری حدود ۶ میلیون سند و ۵۰۰